

مذمت دروغ در اسلام

تکلم عبدالکریم حقیقی نیا

کارشناس مدیریت و امور اجتماعی

می شود، بیش از آن است که به حساب در آید. بسیار اتفاق افتاده است که یک نفر شاید، برای رسیدن به هدفهای پست و ناروای خود، به دروغ ادعای پیغمبری کرده و با یک دروغ، هزاران نفر را از صراط مستقیم، به گمراهی و بدبختی مطلق کشانیده است.^(۶) این قبیل گناهان را با کدام گناه دیگر می توان مقایسه کرد؟ و زیانهای آن را با زیان کدام گناه می توان سنجید؟

یک نوع از دروغ که متأسفانه امروز با نام و عنوان دیگری در جامعه ما رواج پیدا کرده و برخی از رسانه های گروهی نیز برای اشاعه آن در بین مردم و بخصوص جوانان می کوشند و هزینه های هنگفتی نیز مصرف می کنند بنام «خالی بندی» مطرح شده و نه تنها قباح آن، که خود نوعی از دروغ و بیان خلاف واقعیتهاست آشکار نمی شود، بلکه به عنوان یک موضوع پذیرفته شده اجتماعی در حال گسترش و تعلیم به مردم و بخصوص جوانان است. هر کس به بیان اینگونه خلاف واقعیتها می پردازد با عنوان اینکه «خالی بسته ام» خود را بظاهر از عقوبت و مذمت دروغگویی مصون می پندارد در حالیکه این عمل و گفتار نیز نوعی دروغ است و مذمت آن همچون سخن

فطرت انسان با راستی و درستی سرشته شده است. اگر آدمی به همان فطرت اصلی خود باقی بماند و کشش ها و عوامل خارجی، او را از راه فطرت منحرف نسازند، همواره بسوی پاکیزگی و فضایل متمایل و از ناپاکیزگی و رذایل پیراسته خواهد بود. انسان فطرتاً راستگو، درستکار، جوانمرد و شریف است ولی عوامل مختلف، از قبیل تربیت، محیط و نظایر آن می توانند، از بروز این صفات جلوگیری و حتی صفات رذیله را جایگزین آنها سازند. یکی از حساسترین مأموریت های انبیاء و پیامبران علیهم السلام، کمک به فطرت انسان، در برابر عوامل خارجی است، به این معنی که با تعالیم نورانی خود، نیروهای فطری را تقویت و زمینه را برای بروز صفات عالی انسانی آماده سازند. دروغ، خلاف فطرت انسان است و او را از درستی و درستکاری به نادرستی و تبهکاری می کشاند و حتی بصورت یک بیماری سرایت کننده، از پدر به فرزند، از معلم به شاگرد، از خریدار به فروشنده و بطور کلی از هر یک از افراد جامعه به فرد دیگر سرایت می کند و فطرت انسانها را از سرشت اولیه شان منحرف و دور می سازد.

شاید بسیاری از مردم، دروغ را یک امر کوچک و غیر قابل اهمیت بشمارند، در حالیکه زیانهای دروغ با زبان هیچیک از گناهان قابل مقایسه نیست و خطراتی که از ناحیه دروغ متوجه جوامع بشری شده و

۶- (مسئله کذاب از جمله دروغگویان بزرگ تاریخ است. وی رئیس قبیله بنی حنیفه بود که به دوران صدر اسلام در یمامه زندگی می کرد. افراد این قبیله با نهایت تلخی و درشتی به سخنان پیامبر ﷺ پاسخ می دادند. «مسئله کذاب بعداً ادعای نبوت کرده. (سیره ابن هشام)

کذب می‌باشد.

به همین جهت اسلام، دروغگویی را از صفات مردم بی‌ایمان دانسته و قرآن کریم در قسمتی از آیه ۱۰۵ از سوره مبارکه نحل به شدت این عمل را نکوهش و مذمت نموده می‌گوید: «انما یفتی الکتب الذین لا یؤمنون بآیت الله و اولئک هم الکاذبون»؛ کسانی هستند که به آیات پروردگار دروغ می‌گویند و ایمان ندارند بدرستی که این قبیل افراد از دروغگویان هستند.

همچنین در روایتی از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که فرمودند: «الا اخبرکم باکبر الکبائر، الاشراک بالله و عقوق الوالدین و قول الزور، ای الکتب»^(۱)؛ آیا شما را آگاه نکنم به بزرگترین گناهان کبیره، آنها عبارتند از: شرک به خدا و نافرمانی پدر و مادر و گفتن سخن دروغ.

در اسلام علاوه بر اینکه مسلمانان از آلوده شدن به دروغ، شدیداً منع شده‌اند، از رفاقت و معاشرت با دروغگویان نیز نهی شده‌اند.

کودک و دروغگویی

در میان کودکان نیز، گاهی بیماری دروغ دیده می‌شود و اگر در همان دوران کودکی معالجه اساسی انجام نگیرد و بسا روش تربیتی درست، درمان نشود، مخاطرات فراوان ببار می‌آورد و تقریباً غیر قابل علاج می‌گردد. یکی از علل دروغگویی فرزندان، تحمیل نمودن تکالیف سنگین بر آنها و توقع بیش از طاقت از آنان داشتن است، سختگیریهایی اولیای اطفال و توقعات نادرستی که خارج از توان کودکان است آنان را به راه دروغگویی می‌کشاند و این خوی ناپسند را در وجود آنان بیدار می‌کند. کودکان گاهی از اوقات برای آن دروغ می‌گویند که اجازه ندارند حقیقت را بر زبان آورند، هنگامی که کودک به مادرش می‌گوید از برادرش متنفر است، ممکن است مادر برای همین راستگویی، بی‌درنگ یک سیلی بصورت او بزند ولی هرگاه آن کودک پس از چند لحظه بانهایت وضوح به دروغ ادعا کند که حالا برادرش را دوست می‌دارد، مادرش ممکن است بی‌اختیار او را غرق بوسه کند و به او پاداش خوبی هم بدهد. کودک از یک

چنین آزمایشی ممکن است چنین نتیجه بگیرد که راستگویی ایجاد آزرده‌گی و دروغگویی تولید خشنودی می‌کند و مادرش به دروغگویان خردسال پاداش می‌دهد. این عمل مادر باعث می‌شود که کودک دروغگویی را به راستگویی ترجیح دهد و زمینه رشد این عادت ناشایست در وی ایجاد می‌شود.

بنابراین هرگاه ما خواهان آموزش صداقت و راستگویی در بین کودکان و نوجوانان خود باشیم، باید با همان آرامش و خونسردی که حقایق شیرین کودک را می‌شنویم، به حقایق تلخ او نیز گوش دهیم. هنگامیکه کودک بخاطر راستگویی تنبیه شود، از لحاظ حب ذات و دفاع از خویشتن، خواهی نخواهی دروغ می‌گوید.

دانشمند مشهور علوم تربیتی - برتراند راسل - گفته است: «امکان دروغ گفتن در نخستین بار در ذهن کودک خطور نمی‌کند، بعدها این امکان دروغ گفتن نسبتاً برای او کشف می‌شود، یعنی امکان دروغ گفتن را از بزرگتران مشاهده می‌نماید. ترس هم او را وادار بدان می‌سازد، بچه کشف می‌کند که بزرگتران و بالغین به او دروغ می‌گویند و اگر او به آنان راست بگوید، خطر دارد و در اثر این اوضاع و احوال دروغگویی را آغاز می‌کند. اگر شما (والدین) از این محرکات و عوامل دوری بجویید، دروغ گفتن بخاطر طفل خطور نخواهد کرد.»

وظیفه والدین و مربیان برای جلوگیری

از آلودگی کودکان به دروغگویی

اولین و مهمترین وظیفه پدران و مادران و بطور کلی مربیان آن است که به کودکان دروغ نگویند و وعده دروغ به آنان ندهند.

بیداری و هوشیاری والدین و مربیان، می‌تواند کودکان را از مبتلا شدن به دروغ حفظ کند.

اگر کودک تحقیر و شخصیتش لگدکوب نشود، اگر بزرگترها با بیان سخنان کذب خود دروغ گفتن را به او یاد ندهند، اگر عوامل توسل به دروغ، از قبیل ترس و

✓ بنابراین
هرگاه ما خواهان
آموزش صداقت
و راستگویی در
بین کودکان و
نوجوانان خود
باشیم، باید با
همان آرامش و
خونسردی که
حقایق شیرین
کودک را
می‌شنویم، به
حقایق تلخ او نیز
گوش دهیم.

اصل است که مردم با ایمان را از آلوده شدن به دروغ و هر گناه دیگری باز داشته و به آنها نوعی مصونیت روحانی و معنوی بخشیده است.

بزرگان گفته‌اند که راه درمان بیماری دروغ چه در بین کودکان و چه در میان بزرگسالان این است که انسان به مفهوم آیات و روایاتی که در مورد مذمت دروغ وارد شده توجه کند تا بداند که ابتلاء به دروغ سبب هلاکت ابدی خواهد بود. همچنین توجه داشته باشد که علاوه بر هلاکت اخروی، در این جهان نیز از احترام و محبوبیت اجتماعی محروم گشته و خواه نا خواه بواسطه آشکار شدن دروغش در نظر مردم مفتضح و رسوا خواهد شد.

زیانهای دروغ

با کمی دقت و بررسی در حال دروغگویان، زیانهای گوناگون دروغ آشکار می شود. بطور کلی زیان های دروغ را می توان به چند دسته تقسیم بندی نمود.

۱- زیانهای اجتماعی

دروغ از نظر اجتماعی زیانهایی بیار می آورد که قابل تحمل نیست. دروغگو در اجتماع آبرویش در خطر است و همواره در لبه پرتگاه رسوایی قرار دارد، چه رسوایی بالاتر از این است که انسان دروغش نزد دیگران فاش شود و ارزش اجتماعیش در میان مردم از بین برود؟

خردمندان، همیشه می کوشند تا در اجتماع آبرومند باشند و برای کسب آبرو، حاضرند ثروت خود را خرج کنند زیرا سرمایه آبرو، یکی از گرانمایه ترین سرمایه‌هاست. ولی دروغگو با دست خود و با عمل زشت خویشتن این سرمایه ارزنده را از دست می دهد.

در طول تاریخ نیز بسیار کسانی بوده‌اند که در اثر پرداختن به اعمال زشت دروغگویی به صفت کذاب مشهور شده‌اند. از جمله این افراد که در تاریخ اسلام به دروغگویی شهرت دارد و نام وی تا ابد به دروغگویی ثبت شده، مسیلمه کذاب است.

به این نکته باید توجه نمود که دروغ در هر لباس و لفافه‌ای باشد، حقیقت آن بالاخره جلوه گر خواهد

تهدید و غیره را از بین ببرند، اگر پدر و مادر نسبت به او سختگیریهای بی مورد ننمایند و مستبدانه عمل نکنند و خلاصه اگر با مهربانی و ملایمت، عاقلانه و آگاهانه با او رفتار کنند، بطور قطع کودک و نوجوان به چنین بیماری مصیبت‌باری مبتلا نخواهد شد.

پدران و مادران نباید مبادرت به سؤالاتی کنند که کودکان برای پاسخ دادن بدان از لحاظ تدافعی ناگزیر به دروغگویی گردند. کودکان از اینکه مورد بازپرسی پدر و مادر قرار گیرند، اکراه دارند، بویژه وقتی که بدانند پاسخ سؤالات از پیش معلوم است. تنها هدف ما باید آن باشد که به کودک بفهمانیم هیچگونه نیازی بدان نیست که به ما دروغ بگوید.

برتراندراسل در جایی دیگر نیز گفته است: «اگر طفلی به دروغگویی پردازد بر پدر و مادر است که تکلیف را متوجه خود سازند نه متوجه او و بر آنان است که به معالجه آن پردازند، یعنی به این ترتیب که علل را از میان بردارند و به آرامی و تعقل و استدلال بیان کنند که چرا دروغ نگفتن بهتر است، و هرگز نباید برای علاج کار به تشبیه کردن و زدن کودک متوسل شوند زیرا این کار فقط ترس، یعنی محرک دروغگویی را افزون می سازد.»

البته اگر بخواهید بچه‌ها دروغ گفتن را نیاموزند چاره‌ایی نیست جز آنکه بزرگترها در برابر بچه‌ها راستی پیشه کنند.

پدران و مادرانی که به کودکان خود تعلیم می دهند که دروغ گفتن گناه است، حال آنکه خود دروغ می گویند، طبیعتاً تمام قدرت و نفوذ اخلاقی خویش را در برابر آنان از دست می دهند.

مهمتر از همه مسایل در این مورد، توجه دادن کودک به وظیفه مذهبی و دینی است که به آنها باید تفهیم کنیم دروغ گفتن گناه است و خداوند متعال دروغگویان را دشمن خود قرار داده است.

اگر تربیت کودکان روی اصول ایمان و مذهب پایه گذاری شود و اخلاق آنان با تعالیم آسمانی و گهربار اسلام هماهنگ باشد، هیچگاه انحراف در آنان پدیدار نخواهد شد. زیرا هیچ اصلی مانند ایمان مذهبی، ضامن اجرای قوانین و مقررات نیست. همین

✓ پدران

و مادرانی که به

کودکان خود

تعلیم می دهند که

دروغ گفتن گناه

است، حال آنکه

خود دروغ

می گویند، طبیعتاً

تمام قدرت و

نفوذ اخلاقی

خویش را در

برابر آنان از

دست می دهند.

شد. برخی افراد برای توجیه دروغگویی خود در معاملات و جلب اطمینان طرف مقابل به الفاظی مانند: «خدا و کیلی یا خدا شاهد است» نیز متوسل می شوند تا از این طریق بتوانند کالای خود را به قیمت غیر واقعی بفرروشند.

۳- زیانهای روحی و روانی:

موضوع بهداشت روان و توجه به روح و معنویت یکی از مسایل مورد بحث و مطرح در جوامع امروزی است که برای زندگی اجتماعی انسانها اهمیت ویژه ای دارد.

یکی دیگر از زیانهای دروغ بوجود آمدن اضطراب و ناراحتی روحی در جامعه است که در بسیاری از موارد نه تنها دامن دروغگو بلکه اطرافیان وی و در نتیجه بسیاری از افراد اجتماع را می گیرد. و آنان را به رنجهای بزرگ روحی و روانی مبتلا می سازد.

یکی از نویسندگان معروف در یکی از کتابهایش نوشته است: من در اثر غفلت یک دروغ گفتم و سی سال رنج روحی کشیدم. وی ماجرا را اینگونه تعریف نموده است:

«شبی در مجلسی که جمعی از دوستان و همقطاران حضور داشتند، سخن از مسافرتها خارج به میان آمد. حاضرین هر کدام شرحی از مسافرتها خود به اروپا، آمریکا، خاور دور و نزدیک بیان می داشتند، من هم برای اینکه از قافله عقب نمانم، خود را وارد بحث کردم و با اینکه به کشور فرانسه نرفته بودم، از سفر خود به آنجا صحبت کردم، ولی ناگهان فکر کردم مبادا یکی از حاضرین در مجلس که فرانسه رفته، از من سؤالی راجع به این کشور بکند و موجب رسوایی من شود. در آن مجلس کوشش بسیار کردم تا این دروغ من آشکار نشود. و با ناراحتی و اظهار ندامت فراوان، آن مجلس را به پایان رساندم ولی از آن شب هیولای خطر بی آبرویی، مدام مقابل چشمم بود و همواره نگران بودم که مبادا یکی از افراد آن مجلس در جایی حضور داشته باشد و من بدون توجه سخنی بر خلاف

دروغگو گذشته از اینکه در میان جامعه، آبروی خود را از دست می دهد، اعتماد مردم نیز که از مهمترین ارکان زندگی اجتماعی فرد است، از او سلب می شود. کسی به سخنش اعتماد نمی کند. حتی اگر روزی راست هم بگوید، کسی از او باور نخواهد داشت.

پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «ایاک و الکذب فانه مجانب الایمان»^(۱)؛ ای مردم از دروغ گفتن دوری کنید همانا دروغ ایمان را از بین می برد. به عبارتی دیگر دروغ روسیاهی می آورد. روسیاهی نزد خدا بخاطر ارتکاب معصیت و پیمودن راه خطا و روسیاهی نزد مردم بخاطر از دست دادن آبرو و حیثیت.

سعدی (رحمه الله) گفته است:

کسی را که عادت بود راستی
خطا گر کند در گذارند از او
و گر نامور شد به ناراستی
دگر راست باور ندارند از او
ارسطو گفته است: بزرگترین مجازات برای دروغگو آن است که هر وقت حرف راست می زند کسی باور نمی کند.

۲- زیانهای اقتصادی

دروغ از نظر اقتصادی نیز زیانهای فراوان دارد. زیرا بدست آوردن ثروت، معمولاً مستلزم دادوستد با مردم و انجام معاملات است و همانطور که می بینیم اکثر معاملات مردم بخصوص دادوستد های بزرگ بصورت نسبه انجام می گیرد و پشتوانه این معاملات در درجه اول همان حسن اعتماد مردم به یکدیگر است. دروغ موجب سلب اعتماد می شود و نتیجه آن، از رونق افتادن کسب و کار دروغگو و پریشانی و تهیدستی او است. هر گاه در میان کسبه و تجار دروغگویی و خلف وعده و عدم ایفای تعهدات متقابل شایع و رواج داشته باشد رونق اجتماعی جامعه دچار رکود شده، اعتماد مردم نسبت به یکدیگر سلب و فقر و تنگدستی و چپاول و کلاهبرداری نیز عام می شود و جامعه از نظر اقتصادی دچار آسیب و زیانهای جبران ناپذیر خواهد شد. متأسفانه امروزه

✓ ای

مردم از دروغ
گفتن دوری کنید
همانا دروغ
ایمان را از بین
می برد.

ادعای دروغین خود بگویم و رسوا شوم، زیرا بر اساس ضرب المثل معروف (دروغگو را حافظه نباشد). این رنج روحی آنقدر عذاب می داد که تصمیم گرفتم برای نجات از این عذاب، به هر بهایی شده سفری به فرانسه بروم و خود را خلاص کنم، متأسفانه وسایل این سفر فراهم نمی شد و کوششهای دایمی من برای انجام این سفر بی نتیجه می ماند تا پس از گذشتن سی سال موفق به سفر فرانسه شدم و پس از سی سال از آن ناراحتی روانی نجات یافتم. آری من یک دروغ گفتم و سی سال رنج بردم.»

در همین مورد بد نیست داستانی را که مورخین درباره دروغ امیر حسین ایبوردی از رجال دربار سلطان حسین بايقرا نوشته اند نقل نمایم. بین سلطان حسین بايقرا پادشاه خراسان و زابلستان و سلطان یعقوب پادشاه عراق و آذربایجان - در قرون گذشته - روابط حسنه برقرار بوده و همواره با یکدیگر مکاتبه داشتند.

شاه ایران تصمیم گرفت هدایای ارزنده ای برای سلطان عراق بفرستد، وقتی هدایا آماده شد دستور داد کتاب کلیات دیوان شیخ عبدالرحمن جامی را هم که در آن زمان ارزش زیادی داشت از کتابخانه سلطنتی آورده و ضمیمه هدایا کنند.

ملا عبدالکریم، کتابدار مخصوص کتابخانه، در موقع برداشتن کتاب، اشتباه کرد و بجای کلیات جامی، فتوحات مکی را که از لحاظ جلد و اندازه، شباهت بسیار به دیوان جامی داشت، در میان هدایا گذاشت. امیر حسین ایبوردی که از رجال و شخصیت های دربار ایران بود، مأمور شد هدایا را بضمیمه دیوان جامی، به دربار سلطان یعقوب سلطان عراق ببرد و تسلیم نماید. او هم بدون اینکه کتاب را ببیند، هدایا را گرفت و بجانب تبریز حرکت کرد.

هنگامی که بحضور سلطان یعقوب بار یافت، سلطان او را مورد تفقد مخصوص قرار داد و گفت: در این سفر دور و دراز، قطعاً بسیار خسته و ناراحت شده اید؟ امیر حسین ایبوردی علاقه شدید سلطان را به کتاب جامی می دانست، اظهار داشت: قربان، در طول راه همسفری داشتم که انیس و مونس بود و

بدین جهت ابدأ رنج سفر را احساس نکردم. سلطان پرسید: همسفر شما که بود؟ گفت: دیوان جامی، سلطان از شنیدن نام کتاب جامی بشدت مسرور شد و دستور داد آنرا بیاورند. امیر فرستاد و کتاب را آوردند، ولی وقتی کتاب را باز کردند بجای کلیات جامی فتوحات مکی بود.

در اینجا بود که به اصطلاح معروف «گند» دروغ ایبوردی در آمد و از بابت دروغ آشکاری که گفته بود حالش دگرگون شد ولی متأسفانه کار از کار گذشته و حادثه غیر قابل جبران بود، آبروی آن مرد سیاستمدار و دیپلمات ورزیده دربار شاه ریخته و نزد هر دو پادشاه بلکه هر دو کشور از درجه اعتبار ساقط شد.

آری، به سبب همین زیانهای اجتماعی، اقتصادی و روحی و روانی است که اسلام با شدت بسیار با دروغ مبارزه کرده و آنرا از صفات مردم بی ایمان و بی شخصیت دانسته و دروغگو را شایسته نفرین و لعنت معرفی کرده و این عمل را جزو گناهان کبیره دانسته است پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده است: کسیکه دروغ بگوید فرشتگان او را لعنت می کنند. در جایی دیگر فرموده اند: «اقل الناس مروءة من كان كاذباً»؛ بی بهره ترین مردم از مردی و مردانگی کسی است که دروغگو باشد.

✓ کسیکه

دروغ بگوید

فرشتگان او را

لعنت می کنند. در

جایی دیگر

فرموده اند: «اقل

الناس مروءة من

كان كاذباً»؛

بی بهره ترین

مردم از مردی و

مردانگی کسی

است که دروغگو

باشد.

دروغ مصلحت آمیز

در ضمن مطالب بالا روشن شد که دروغ از گناهان کبیره است. در اینجا لازم است که درباره دروغ مصلحت آمیز هم توضیحی داده شود. زیرا به اصطلاح معروف گفته شده که «دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز است.»

قبل از پرداختن به اصل موضوع باید این نکته را اضافه نمود که بطور کلی برخی از گناهانی را که در اسلام حرام و ناروا شناخته شده اند، می توان به دو دسته تقسیم نمود.

قسم اول گناهانی که قبیح ذاتی دارند و خود بخود جزء کارهای ناپسند و زشت بشمار می روند: مانند: آدمکشی، ظلم، تجاوز به حقوق دیگران، دزدی و نظایر آن.

البته دروغ هم وقتی مجاز است که راستگویی ممکن نباشد و در این صورت است که دروغ (توریه) جایز می‌شود.

به این نکته نیز باید توجه شود که دروغ مصلحت‌آمیز فقط در مواردی جایز است که اسلام اجازه داده باشد. بنابراین دروغ بمنظور استفاده مادی یا بدست آوردن منافع شخصی و سیاسی و نظایر آن جزء دروغ مصلحت‌آمیز نیست و قطعاً حرام و موجب ذلت و بدبختی دنیا و آخرت خواهد بود.

حسن ختام مطلب را با حکایتی از گلستان سعدی رحمته الله به پایان می‌بریم.

پادشاهی را شنیدم به کشتن اسیری اشارت کرد. بیچاره در حالت نومیدی ملک را دشنام دادن گرفت و سقط گفتن. که گفته‌اند هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید.

وقت ضرورت چو نماند گریز

دست بگیرد سر شمشیر تیز

اذا بیس الانسان طال لسانه

سنور مغلوب یصول علی الکلب

ملک پرسید چه می‌گویند؟ یکی از وزرای نیک محضر گفت: ای خداوند همی گویند: «والکاظمین الغیظ و العافین عن الناس».

ملک را رحمت افتاد و از سر خون او در گذشت. وزیر دیگر که بر ضد او بود گفت: ابنای جنس ما را شاید در حضور پادشاهان جز به راستی سخن گفتن، این ملک را دشنام داد و ناسزا گفت، ملک روی از این سخن در هم آورد و گفت مرا آن دروغ وی پسندیده‌تر آمد مرا از این راست که تو گفتی، که روی آن در مصلحتی بود و بنای این بر خبیثی. و خردمندان گفته‌اند: «دروغی مصلحت‌آمیز به که راستی فتنه‌انگیز» (۳)



قسم دوم گناهانی هستند که مقدمه تبهکاری و آلودگی هستند و زمینه را برای سایر جرایم آماده می‌سازند.

دروغ از قسم دوم گناهان و البته از گناهان کبیره و بزرگ است و کلید بسیاری از آلودگی‌ها و ناپاکی‌هاست، بنابراین اگر موردی پیش آید که دروغ وسیله جلوگیری از گناه، یا کلید رفع ظلم از مظلومی باشد، ناروایش زایل می‌شود، اما مشروط به اینکه گوینده توجیهی راست برای سخنش در ذهن داشته باشد و کلام دو پهلو باشد، به گونه‌ای که ذهن مخاطب به جانب ظاهر کلام معطوف گردد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده: «سه چیز است که دروغ در آنها زیباست، نیرنگ در جنگ، وعده شوهر به زن و اصلاح میان مردم» (۱)

توجه خوانندگان محترم را به این نکته جلب می‌نماید که اسلام جنگ بمنظور کشور گشایی و جهانگیری را ممنوع می‌داند و مقصود از جنگ و جواز نیرنگ در آن، نبرد میان حق و باطل است.

نیرنگ در این نبردها موجب تقویت حق و تضعیف باطل می‌شود و بدین جهت پسندیده است.

در مورد وعده شوهر به زن؛ اسلام علاقه‌مند به سعادت و نیکبختی زن و شوهر است و میل دارد که همواره با نهایت محبت و دلگرمی با هم زندگی کنند، و مقصود از وعده دروغ دادن شوهر به زن آن است که اگر شوهر بتواند تقاضای زن را برآورده سازد و به وعده خود وفا کند چه بهتر و اگر نتواند یا صلاح نداند، باز هم با دادن وعده‌ای همسر خودش را دلخوش نگهدارد و عواطف او را جریحه‌دار نکند.

در مورد اصلاح میان مردم؛ اسلام میل دارد میان مسلمانان همواره روابط دوستانه برقرار باشد و اگر میان دو نفر یا دو دسته اختلافی پیدا شود، بایستی کوشید تا آنرا برطرف کرد. زیرا رفع اختلاف مسلماً به نفع دو طرف و به نفع جامعه است و بدین جهت گفتن سخنان دو پهلو که در بردارنده توجیه باشند برای اصلاح بین مردم مستحسن بشمار آمده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «لیس الکذاب الذی یصلح بین الناس» (۲)؛ کسی که سخنش در صدد اصلاح بین مردم است دروغگو نیست.

✓ دروغ

مصلحت‌آمیز

فقط در مواردی

جایز است که

اسلام اجازه داده

باشد. بنابراین

دروغ بمنظور

استفاده مادی یا

بدست آوردن

منافع شخصی و

سیاسی و نظایر

آن جزء دروغ

مصلحت‌آمیز

نیست و قطعاً

حرام و موجب

ذلت و بدبختی

دنیا و آخرت

خواهد بود.

۱- احیاء علوم الدین عزالی: ۱۳۷/۳، دارالمعرفه

۲- بخاری، الجامع الصحیح: ۲۲۸/۳، شماره حدیث (۲۶۹۲).

۳- کلیات سعدی، نسخه محمدعلی فروغی، باب اول، در سیرت

پادشاهان، ص: ۱۹.